بسیج امام

فانوس

۷۹

در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی/ شماره هفتاد و نهم / بهار ۱۴۰۴

گفتاری از
حجت الاسلام والمسلمین
سید حسن علوی
پیرامون اهیمت و ماهیت
کار فرهنگی و تربیتی

یا حسین

هیأت بستر کار تربیتی



فانوس ـ در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی
شماره هفتاد و نهم، بهار ۱۴۰۴

هیأت، بستر کار تربیتی

گفتاری از حجت‌الاسلام و المسلمین سیدحسن علوی پیرامون اهمیت و ماهیّت کار فرهنگی و تربیتی؛ شانزدهمین همایش ملی هیأت‌های محوری و برگزیده کشور، آبان ۱۴۰۱؛ جمکران، مجتمع یاوران مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر
طراح جلد: علی ناصری
صفحه‌آرا: حسن ناصری
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



جامعه ایمانی مشعر

قم ـ صندوق پستی: ۱۵۱۳ - ۳۷۱۹۵
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲
پایگاه اطلاع‌رسانی: www.۱۵۴۲.org
رایانامه: info@۱۵۴۲.org

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

امور تربیتی در بالاترین رتبه فعالیت‌های فرهنگی و دینی قرار دارند و به عنوان مهم‌ترین مسائل این عرصه به شمار می‌روند تا جایی که رسالت انبیاء و ائمه اطهار علیهم‌السلام هدایت خلق و تربیت انسان‌ها و ایجاد تحول تعیین شده و رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، آن را برتر از هر آن‌چه که خورشید بر او تابیده معرفی می‌کند، اما مع‌الوصف در حال حاضر، این امور کم و کوچک و سبک شمرده شده و اهتمام زیادی به آن داده نمی‌شود و این معضلی است که باید در پی رفع آن برآمد؛ چرا که اگر معنا و مفهوم کار تربیتی به طور دقیق از همه جهات شناخته نشود، ممکن است انسان در میدان عمل، دچار اشتباه شده و به آدرس غلط رفته و در مسیر نادرست قدم بردارد؛ لذا باید امور تربیتی و فرهنگی مورد بحث و بررسی قرار گیرد و مسائلی هم‌چون مفهوم تربیت، محتوای تربیتی، صفات و خصوصیات مربی، بستر تربیتی و مخاطب تربیت، تبیین گردد.

متن پیشرو حاصل سخنان حجت‌الاسلام سید حسن علوی، پیرامون اهمیت و ماهیّت کار فرهنگی و تربیتی است که در شانزدهمین همایش ملی هیأت‌های محوری و برگزیده کشور ایراد گردیده است که محضر عزیزان تقدیم می‌گردد.



اهمیت کار تربیتی

همچنان که مستحضرید در اهمیت کار تربیتی همین تعبیر بزرگان کافیست که معتقدند همه امور، مقدمه هستند برای رسیدن به تربیت صحیح؛ به این معنا که ملاک و معیار ارزش یک کار دینی و فرهنگی، اثر تربیتی است که برای فرد و یا جامعه حاصل می‌شود و طبعاً معیار بیهوده و بی‌ثمر بودن یک کار هم در این است که اثر تربیتی مفیدی نداشته باشد.

رسالت انبیاء و ائمه هدیﷺ، هدایت خلق و تربیت انسان‌ها و ایجاد تحول است؛ چراکه اگر هر فعالیتی انجام شود ولی در نهایت، آدمی وجود نداشته باشد که از این ظرفیت‌های ایجاد شده استفاده کند پس عملاً هیچ‌کاری صورت نگرفته است.

فراهم بودن امکانات مهم است اما مهم‌تر این است که این امکانات در اختیار چه کسی قرار می‌گیرد و در چه مسیری استفاده می‌شود؟ عمر و جوانی و قدرت و ثروت و.... همه فرصت هستند، اما انسانی که پشت این فرمان نشسته مهم است.

ملاک و معیار ارزش یک کار دینی و فرهنگی، اثر تربیتی است که برای فرد و یا جامعه حاصل می‌شود و طبعاً معیار بیهوده و بی‌ثمر بودن یک کار هم در این است که اثر تربیتی مفیدی نداشته باشد.



مطابـق روایـات، وقـتی خداوند برای قومـی اراده خیر کند، امکانات و ثروت‌هـا را در اختیار خوبـان آن قـوم قـرار می‌دهد و اگر اراده شـرّ کند و بخواهد خیـر را از آن‌ها برگرداند، آدم‌ها و خوب‌هـای آن جامعـه را کم می‌کند؛ خوبان کسـانی هسـتند که مرورشـان برکت اسـت و هر جایی قدم بگذارند مبارک می‌شود.

مشـکل امروز ما در کشـور، نبود امکانات نیست بلکه مشکل، کمبود آدم است؛ باید جهان مادی تبدیل به جهان انسانی شود و انسان‌هایی به وجود بیایند که از هر جهت یا به تعبیر دقیق‌تـر در تمـام جوانـب سـالم، قوی، کارآمد و به درد بخور و فکری باشـند؛ الان ما آدم‌هایی داریم که خوب فکر می‌کنند اما منطق و چهارچوب نظام فکری و خروجی تفکرشان، مطلب درسـتی نیسـت، چون نظام و منطق فکری‌شان درسـت تربیت نشده و مطالب وحیانی را با تجربه‌های محدود بشری تفسیر می‌کنند، بنابراین آن‌ها درست تربیت نشدند و آن زمانی که باید باورهایشان شکل می‌گرفت، به درستی شکل نگرفته و اذهان و شخصیتشان از لقمه‌ها، سـفره‌ها، گزاره‌هـا و معناهـای مختلف متأثر شـده و همین محتواها، وعاء و ظرفِ هویتشـان را ساخته است.

الان ما آدم‌هایی داریم که خوب فکر می‌کنند اما منطق و چهارچوب نظام فکری و خروجی تفکرشان، مطلب درستی نیست، چون نظام و منطق فکری‌شان درست تربیت نشده و مطالب وحیانی را با تجربه‌های محدود بشری تفسیر می‌کنند.

شخصیت و هویت انسان‌ها همچون ظرف‌های شیشه‌ای هستند که قابل مشاهده نیست و فقط چیزی دیده می‌شود که در آن ظرف است، اگر این ظرف از بدی پر شده پس فقط بدی‌ها دیده می‌شوند و اگر از خوبی پر شده، این خوبی‌هاست که مشاهده می‌شود.

تعظیم امر تربیت

بدترین معضلی که در این میدان وجود دارد کم شمردن است؛ به این معنا که کار تربیتی و کار فرهنگی، کوچک و سبک به حساب آید؛ کاری را که رسول خدا ﷺ در وصف آن فرمود یا علی! اگر به دست تو یک نفر هدایت شود، از هر آن‌چه که خورشید بر او تابیده ارزش آن بیشتر است؛[1] پس نباید این مسئله را کم دانست، زیرا هدایت و تربیت انسان‌ها زیربنای همه هستی است و اصلاً چیزی در این عالم جز انعکاس انسان‌ها وجود ندارد.

زمانه بد نیست، بلکه آن بدی را که ما به زمانه نسبت می‌دهیم، ریشه در خودمان دارد؛ و اگر هم عصر قیام و ظهور خوب است، دلیلش مردمان آن زمان می‌باشد که خوب تربیت شده‌اند و یاد گرفتند از حالت افتادگی و نشستن جدا شده و به تجافی[2] و حال انتظار برسند

۱. کافی، ج۵، ص۳۶؛ لان یهدی الله عزوجل علی یدیک رجلا خیر لک مما طلعت علیه الشمس غربت و لک ولاؤه.
۲. تجافی آن حالتی است که نمازگزار که امام در حال تشهد است، نمازگزار یک رکعت یا چند رکعت از نمازش باقی مانده، نیم‌خیز است تا امام سلام بدهد بلند شود.

نه این‌که سرخود راه بیفتند و مستقل کار کنند و در زندگی گم و رها شوند، پس همه چیز حول محور تربیت صحیح و ساخت انسان‌ها می‌گردد و باید به آن اهتمام ورزید و در رأس امور قرار داد و بدانیم که مردم تشنه این مباحث معرفتی و دینی هستند.

بنده سال اولی که کارهای تربیتی را شروع کردم، در یکی از مدارس تهران شیمی درس می‌دادم و با مدیر مدرسه هم هماهنگ کرده بودم که یک ربع آخر کلاس، بحث‌های معرفتی و دینی مطرح کنم. آن زمان جوان بودم و تصورم بر این بود که اگر به عنوان معلم دینی بروم سر کلاس، بچه‌ها تحویل نمی‌گیرند، غافل از این که مردم تشنه این مباحث هستند. این‌قدر استقبال بچه‌ها بالا بود که سال بعد، همین بچه‌ها رفتند و اصرار کردند که یا مدت این مباحث را از یک ربع اضافه کنید و یا این‌که سال آینده به جای شیمی کلا دینی گفته شود.

رسول خدا ﷺ فرمود: یا علی! اگر به دست تو یک نفر هدایت شود، از هر آن‌چه که خورشید بر او تابیده ارزش آن بیشتر است.

گزینش بهترین مربی‌ها

نابودی در این میدان، این است که ما آن را کم بشماریم، وقتی کم حسابش کردیم پس در نتیجه نیروی قوی و مستعدی را برای آن استخدام نکرده و به میدان نمی‌آوریم و همچنان که روایات اشاره دارند، دین و مسائل ارزشی در آخرالزمان سبک شمرده شده و به ضعفاء واگذار می‌شود، این در حالی است که ما در بخش تربیتی و فرهنگی باید مستعدترین انسان‌ها را گزینش کرده و به میدان بیاوریم، همچنان که انبیاء، مصفای قوم بودند و خداوند برای مقام رسالتش، برترین‌ها را از بهترین خانواده‌ها و بالاترین اصل و نسب‌ها انتخاب می‌نمود؛ کسانی که سابقه‌شان همچون الماس درخشان است، می‌توانند کار کنند و تأثیرگذار باشند و یکی از بیچارگی‌های ما در بحث تربیت، توکیل آن به ضعفاء است که نه تنها اثربخش نیست، بلکه نتیجه معکوس می‌دهد.

نقل می‌کنند که آقای مجتهدی شوخی می‌کردند و به کسانی که پنج‌تا بیشتر بچه داشتند می‌گفتند خمس بچه‌هایتان را باید بدهید و با همین مزاح‌ها از خانواده‌های معتبر و ارزشی، طلبه جذب می‌نمودند و گاهی هم وقتی بعضی‌ها برای ثبت‌نام به مدرسه می‌آمدند، ایشان اِعمال سلیقه نموده و قبول نمی‌کردند و می‌گفتند که بچه‌های مستعدتان را به دانشگاه و بازار فرستادید و بچه‌هایی که به درد نمی‌خورند را برای حوزه آوردید؟ این نشان می‌دهد که نگاه ایشان بر این است که باید بهترین‌ها گزینش شوند نه این‌که چنین مسئله مهمی به ضعفاء توکیل شود.

ما امروزه در مسئله تربیت مشکلات جدی‌ای داریم، زیرا جریان تربیتی و دینی کم شمرده شده و مورد استضعاف قرار گرفته است و شاهد مطلبم این است که در اذهان مردم، یک رئیس دانشگاه از یک مسئول هیأت معتبرتر و مقامش بالاتر است، این در حالی است که دانشگاه، مرکز یک علم تخصصیِ محدود است و هر انسانی با داشتن یک استعداد متوسط و با یک جدیّت اجمالی می‌تواند این‌کار را بکند، اما تربیت یعنی پرداختن به همه ابعاد وجودی انسان، بنابراین موفقیت در این بخش به مراتب سخت‌تر و پیچیده‌تر است.

مسئله تربیت مشکلات جدی‌ای داریم، زیرا جریان تربیتی و دینی کم شمرده شده و مورد استضعاف قرار گرفته است و شاهد مطلبم این است که در اذهان مردم، یک رئیس دانشگاه از یک مسئول هیأت معتبرتر و مقامش بالاتر است.

مفهوم تربیت

علت این که در هر کاری باید ابتدا معنا و مفهوم و ماهیت آن را بفهمیم و درک کنیم این است که در این عالم همه چیز دچار شبهه و اشتباه می‌شود و چه بسا عمری زحمت می‌کشیم و در نهایت متوجه می‌شویم که اشتباه کردیم و اصل را گم کردیم و به دنبال تقلبی راه افتادیم؛ اگر می‌خواهیم کالایی را بخریم باید جنسش را بشناسیم و اگر هم می‌خواهیم کالایی را تولید کنیم نیز باید آن را دقیق رصد کرده باشیم تا هدف روشن شود و بفهمیم که قرار است چه‌کار کنیم و الا زحمت کشیده می‌شود و کار و تلاش هم صورت می‌گیرد و فکر هم می‌شود ولی خروجی، آن چیزی نیست که می‌خواستیم تولید کنیم.

اهمیت معنایی و مفهومی کار تربیتی در این است که اگر معنا و مفهوم کار تربیتی به طور دقیق از همه جهات شناخته نشود، ممکن است در میدان عمل، دچار عملیات و کار اشتباه و غلط شده و آدرس غلط رفته و در مسیر غلط قدم برداشته شود.

اخلاص

اولین ضلعی که در مسئله کار فرهنگی و تربیتی در ساحت ذهن‌ها و نیت‌ها اهمیت زیادی دارد این است که بدانیم کار تربیتی یک کاری کاملا الهی است و باید صددرصد برای خدا باشد و الا نتیجه آن قطعاً مفید نخواهد بود.

قطعـاً اخـلاص در همـه مقوله‌هـا مؤثر اسـت، ولی میزان اثـر آن در اَعمال مختلـف، متفاوت اسـت؛ مثلا اگر در عباداتی مثل نماز، اخلاص نباشـد و برای غیرخدا انجام شـود، خروجی آن بلعم باعورا و برصیصای عابد اسـت، بعضی از تکالیف هم این‌گونه نیسـت؛ یعنی حتی اگـر کسـی بـا قصـد و نیت خـراب هم، آن تکلیـف را انجام دهـد، باز از او پذیرفته می‌شـود؛ بنابراین در بعضی از امور، اخلاص زیاد کارایی ندارد اگرچه بودنش سبب ارزشمندتر شدن آن عمل می‌شـود، ولی بعضی از عبادات هم هسـتند که اگر اخلاص در آن رعایت نشـود سبب نابودی و ویرانی آن عمل می‌شود.

اولین ضلعی که در مسئله کار فرهنگی و تربیتی در ساحت ذهن‌ها و نیت‌ها اهمیت زیادی دارد این است که بدانیم کار تربیتی یک کاری کاملا الهی است و باید صددرصد برای خدا باشد و الا نتیجه آن قطعاً مفید نخواهد بود.

در کار تربیتی، اگر مربی و میدان‌داران، نیت درست نداشته باشند، نه تنها نمی‌توانند تربیت کنند، بلکه تربیت‌های خودشان هم که نتیجه زحمت‌های پدر و مادر و مربی و اساتیدشان است نیز از بین می‌رود؛ به تعبیر دیگر، درست که نمی‌کنند هیچ؛ سبب ویرانی و خرابی خودشان هم می‌شوند لذا مرحوم کمپانی وقتی می‌خواستند شاگردانشان را نصیحت کنند، فرمودند: هر جا دیدید که نیت‌تان خالص نیست، هیچ کاری انجام ندهید و برای خودتان وزر و وبال درست نکنید.



به تعبیر استادمان باید نگاه‌مان به پول و ثروت مثل نگاه به یک کفش باشد، زیرا کفش در عین حالی که مهم‌ترین لباس برای حرکت و راه رفتن و مهم‌ترین پوشش انسان است، اما کمتر موضوع تفاخر واقع شده و فقط در حد ابزار به آن توجه می‌شود.

مؤلفه‌های اخلاص

برای این‌که بفهمیم یک کاری خدایی هست یا خیر، باید به مؤلفه‌های زیر توجه داشته باشیم:

* باید مواظب باشیم که در آن کار، من نباشد؛ به این ترتیب که اگر دیدیم اسم ما را نبردند و ناراحت شدیم، بدانیم که این کار برای خدا نیست پس همان بهتر که رهایش کنیم.
* باید توجه داشته باشیم که برای دنیا و منافع مادی نباشد؛ به این معنا که اگر برای من عناوین دنیوی مهم شد و برایم فرق کرد که مرا با چه عنوانی خطاب می‌کنند پس بدانم که دیگر نیتم خدایی نیست و کار من هیچ فایده‌ای نخواهد

داشت؛ زیرا این مسائل به محض این‌که به ذهن و نیت من وارد شوند کار را خراب می‌کنند و اخلاص را از بین می‌برند.

ممکن است که امروز نفهمیم که این امور و این اعتبارات دنیوی هیچ ارزشی ندارد، اما وقتی به آن‌ها رسیدیم و در ترازوی اعمال قرار گرفت، متوجه پوچی‌شان می‌شویم و می‌فهمیم که «فَلا نُقيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَزْناً»[1]؛ روز قیامت برای این اعمالی هیچ ارزش و بهایی نمی‌دهند و گویا ما کاری انجام نداده‌ایم؛ لذا اساتیدمان همیشه سفارش می‌کردند که زیاد کارهای بزرگ انجام ندهید و سعی کنید به همین کارهای خرده‌ریز مشغول شوید، زیرا مسائلی که عنوان دارند بیشتر در معرض خطر هستند بر خلاف کارهای کوچک و پیش‌پا افتاده که معمولا به حساب نمی‌آیند، پس اخلاص در آن‌ها بیشتر و احتمال قبولی‌شان قوی‌تر است.

تمام فتنه‌هایی که امروزه در جامعه است و این‌که مساجد و هیأت‌ها خالی است و روابط آلوده شده، ریشه در پول‌پرستی و مادی‌گرایی دارد، البته وجود پول و ثروت بد نیست، بلکه پرستش آن مذموم است؛ باید گذرا زندگی کرد و به تعبیر استادمان باید نگاه‌مان به پول و ثروت مثل نگاه به یک کفش باشد، زیرا کفش در عین حالی که مهم‌ترین لباس برای

۱. کهف، ۱۰۵.

حرکت و راه رفتن و مهم‌ترین پوشش انسان است، اما کمتر موضوع تفاخر واقع شده و فقط در حد ابزار به آن توجه می‌شود.

واقعاً برای پول و دنیا کار نکردن ساده نیست، اما شدنی است؛ آیت‌الله بزرگ را از قم برای اقامه نماز در مسجد امام تهران دعوت کردند، وقتی جمعیتش زیاد شد، ایشان سؤال کردند این جمعیت تا حالا کجا بودند؟ چرا تا حالا نبودند؟ گفتند آقا، تا خبردار شدند که شما آمدید؛ از همه مساجد سطح شهر می‌آیند تا نماز را پشت سر شما بخوانند، ایشان گفتند این نماز دیگر برای خدا نیست و از فردا هم نیامدند؛ این‌گونه خالصانه عمل می‌کردند که ماندگار شدند، شهداء هم آن‌قدر مخلص بودند که می‌خواستند بسوزند تا هیچی از آن‌ها نماند و حتی یک جسد هم نداشته باشند، اما همین اخلاصشان سبب شد تا ماندگار و جاوید شوند.

وقتی صحبت از کار تربیتی و فرهنگی می‌شود، انسان‌سازی منظور است و باید محتوای آن یک محتوای ناب و ارزشی باشد؛ لذا به هر آموزش و کلاس درس تربیت گفته نمی‌شود.

محتوای کار تربیتی

از مباحث مهم در ماهیت کار تربیتی این است که چه محتوایی را در قالب کار فرهنگی و تربیتی به خورد مخاطب می‌دهیم؟ آیا هر آنچه که در مساجد و هیأت‌ها و کانون‌های فرهنگی آموزش داده می‌شود مثل کلاس‌های تقویتی و قلاب‌بافی و.... تحت عنوان تربیت قرار می‌گیرد یا این‌که در کار تربیتی، محتوای خاصی مدنظر است؟ قطعاً وقتی صحبت از کار تربیتی و فرهنگی می‌شود، انسان‌سازی منظور است و باید محتوای آن یک محتوای ناب و ارزشی باشد؛ لذا به هر آموزش و کلاس درس تربیت گفته نمی‌شود.

ما امروزه با یک عده کثیری از آدم‌ها روبرو هستیم که یا اصلاً ماهیت شخصیت‌شان دینی و ارزشی نیست و یا التقاطی هستند و خودشان را صاحب نظر دانسته و هیچ‌کس دیگری را هم قبول ندارند و هر جا هم می‌روند ادعا دارند و حرف می‌زنند و یک مفاهیم ترکیبی خودساخته و خودبافته را بیرون می‌ریزند و دیگران را گرفتار می‌کنند.

این‌ها کسانی هستند که یک سری محتواهای غلط یا برداشت‌های غلط از محتواهای صحیح در وجودشان تزریق شده و به عنوان مطالب مسلّم در زمینه ذهنشان نقش بسته است و به مرور بر اساس همان مطالب شخصیتشان شکل گرفته است؛ بنابراین شعارهایی که به کار می‌رود، محتوایی که روی تابلوها به تصویر کشیده می‌شود، شعرهایی که خوانده می‌شود و هر رسانه دیگری که قابل تصور است اگر محتوای غلطی را القاء کند، ما باید خسارت آن را بپردازیم؛ مثلا بنده یادم هست، اوائل انقلاب روی کلمه آزادی بحث بود و خیلی‌ها با این واژه مخالف بودند؛ زیرا ما در اسلام و آموزه‌های دینی کلمه‌ای به نام آزادی نداریم و این واژه برگرفته از شعارهای انقلاب کبیر فرانسه است و مفهوم بحث‌برانگیزی دارد؛ آنچه که در اسلام مورد تأیید بوده و برای آن ارزش نهاده شده، واژه حریت و آزادگی است که به معنای رهایی من از خودم و نفسم و هواهای نفسانی است، اما آزادی یعنی این که من در مقابل افراد و مسائل پیرامونم بی‌قید باشم.

بنابراین باید بدانیم که شعارها و الفاظی که به کار می‌بریم سرنوشت‌ساز و هویت‌ساز است و شخصیت افراد بر اساس همین معانی شکل می‌گیرد.

ما در اسلام و آموزه‌های دینی کلمه‌ای به نام آزادی نداریم و این واژه برگرفته از شعارهای انقلاب کبیر فرانسه است و مفهوم بحث‌برانگیزی دارد؛ آنچه که در اسلام مورد تأیید بوده و برای آن ارزش نهاده شده، واژه حریت و آزادگی است.

بستر کار تربیتی

مسجد و هیأت، اساسی‌ترین بستر برای کار تربیتی هستند و جاهای دیگر، برای این گونه امور خیلی کارآمد نیستند و حتی مدرسه که مکانی است برای تعلیم و تربیت و از نظر کارایی بسیار نزدیک است اما باز به پای مسجد و هیأت نمی‌رسد.

هیأت یک مؤلفه و شاخصه برای یک بستر خاص است؛ هیأت بستری است که می‌توان در آن یک سری تغییراتی ایجاد کرد که تقریباً در جاهای دیگر بسیار سخت و بلکه غیرممکن است.

مخاطب کار تربیتی

نکته دیگری که در این عرصه قابل توجه است، بحث جمعیت و مخاطبِ فعالیت‌های تربیتی است که عموم مردم مدنظر می‌باشند؛ البته مراد از عموم مردم، عوام نیست، چرا که عوام به معنای خفیف جامعه است بلکه منظور از عموم، جنبه همگانی بودن آن است؛ به این معنا که باید در راستای تربیت همه مردم قدم برداشت چنانچه انبیاء این‌گونه عمل نمودند؛ انبیاء هیچ‌گاه دانشگاه و دانشکده تخصصی نزدند و برای آموزه‌هایشان شرایط تعیین نکرده و ثبت‌نام نداشتند، بلکه ایشان در فضاهای عمومی که همه مردم در آن‌جا حضور داشتند، کار می‌کردند کما این‌که پیامبر اکرمﷺ وقتی در مسجد مدینه، خطبه می‌خواند، هم سلمان حضور دارد و مخاطب حضرت است و هم پسربچه نُه ساله حاضر است و مورد خطاب ایشان واقع شده پس کار تربیتی به معنای جدا کردن صنف‌های مختلف مردم نیست، اما با این حال باید دانست که این کار در عین حالی که عمومی است عوامی نیست و در

باید در راستای تربیت همه مردم قدم برداشت چنانچه انبیاء این‌گونه عمل نمودند؛ انبیاء هیچ‌گاه دانشگاه و دانشکده تخصصی نزدند و برای آموزه‌هایشان شرایط تعیین نکرده و ثبت‌نام نداشتند.

عین حالی که تخصصی است خصوصی نمی‌باشد؛ کار تربیتی یک فرایند کاملا هنرمندانه و پیچیده‌ای است که یک سری مراحل و مراتب دارد.

ابتداء فعالیت بنده غالباً در مدارس و دانشگاه‌ها بود و برای صنف خاصی هم کار می‌کردم تا این که یک سالی در ماه رمضان ما را برای اولین‌بار به یک مسجد عمومی دعوت کردند؛ بنده یک مطلب مهم مفهومی را در مسائل ارزشی آماده کرده بودم تا در آن‌جا ارائه بدهم، وقتی روی منبر رفتم و خطبه را شروع کردم، یک نگاهی به جمعیت انداختم و دیدم که در بین این جمعیت اصناف مختلف مردمی در سنین مختلف، از بچه نه-ده ساله تا پیرمرد هشتاد ساله نشسته‌اند، در آن‌جا بود که متوجه شدم مطلبی که می‌خواهم بگویم به درد این مخاطبین نمی‌خورد.

کاری که برای یک صنف خاص باشد، کار تربیتی به شمار نمی‌رود بلکه یک کار علمی است؛ کار تربیتی کاریست که همه بفهمند و استفاده کنند مثل یک زمینی که در آن درخت و علف و انواع گیاهان وجود دارد و همه نیاز به آب و آفتاب دارند و هر کسی هم به سهم خودش برمی‌دارد؛ قرآن هم این‌گونه است، وقتی برای مردم خوانده شده و معنا می‌شود، همه مردم از هر قشری که باشند اعم از پیرمرد، جوان، متخصص و... از آن بهره می‌برند و این واقعیت کار تربیتی است.

هزینه کار تربیتی

باید بدانیم که کار تربیتی هزینه ندارد و اگر جایی را هم دیدیم که خرج و مؤونه برداشته است پس بدانیم آن‌کار تربیتی نیست؛ زیرا تربیت اصلاً امر هزینه‌بری نیست بلکه تربیت یک گفتمان، یک موعظه، یک دعوت و یک تبیین است و اگر فاکتورها بالا رفت، بدانید به همان اندازه از کار تربیتی فاصله گرفتیم و این که گفته می‌شود اصلی‌ترین مربی عالم امکان حضرت ختمی‌مرتبت ﷺ با ثروت حضرت خدیجه ﷺ دین اسلام را گسترش داده کاملاً غلط است، اصلاً این حرف‌ها نیست، کسی با پول ایمان نیاورده و نمی‌آورد بلکه هر جا صحبت پول آمده، کار خراب‌تر شده و مشکلات دوچندان شده‌اند.

نیازی نیست که برای برگزاری هیأت حتماً غذا داده شود، هنوز هیأت‌های بسیار مفصلی هستند که فقط یک چایی می‌دهند، البته من با این مسائل مخالف نیستم و نمی‌گویم که ندهید، اما حرف من این است، کار تربیتی یک کار کم‌هزینه و پربرکت است.

تربیت یک کار مستمر است؛ یعنی نیاز به نگهداری پیوسته دارد، به‌گونه‌ای که یک‌روز هم نمی‌شود رهایش کرد، به تعبیر دیگر، شغلی است که هیچ مرخصی‌ای ندارد.

خصوصیات کار تربیتی

کار تربیتی یک کار بسیار جدی است، بازی نیست که برای سرگرمی این کار را انجام بدهیم و یا این که از سر بی‌کاری وارد این عرصه بشویم و بگوییم امروز هستیم و فردا نیستیم و...، اصلاً این‌جوری نیست، بلکه یک کار کاملاً جدی، همه جانبه، عمیق و پیوسته است.

تربیت یک کار مستمر است؛ یعنی نیاز به نگهداری پیوسته دارد، به‌گونه‌ای که یک‌روز هم نمی‌شود رهایش کرد، به تعبیر دیگر، شغلی است که هیچ مرخصی‌ای ندارد.

تربیت یک کاری همه‌جانبه است؛ به این معنا که شما تمام درها را هم ببندید و فقط دوتا پنجره را باز کنید، محال است این اتاق گرم شود، هرچقدر هم زحمت بکشید فایده ندارد، تربیت هم این‌گونه است؛ کوچک‌ترین نقصان و اشتباه باعث می‌شود که همه زحمت‌ها هدر برود.

هیأتِ تراز انقلاب اسلامی

همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت نمود. همان هیأتِ الگویی که گوشه گوشه و لحظه‌لحظه‌اش مورد رضایت امام عصر(عج) باشد. هیأتی است که شایسته برپایی در حضور حضرتش باشد. هیأتی آماده حضور و ظهور...ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیأتی، هر چند سخت و دشوار می‌نماید. اما لازم است و ضروری...

***

در فانوس، فانوس به دست گرفته‌ایم و می‌کوشیم تا شاید بتوانیم برخی از ابعاد مختلف هیأت تراز انقلاب اسلامی را روشن کنیم.

جامعه ایمانی مشعر،
محفلی است برای گردآمدن
هیأت‌های کشور.
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،
جامعه‌ای فراتر از مرزهای نژادی و
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.
اجتماعی ایمانی و توحیدی است

۰۲۵ - ۷۵ ۳۸ ۱۴ ۱۱
۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲
www.۱۵۴۲.org
info@۱۵۴۲.org

که به دنبال ارتباط بیشتر
محبّان سیدالشهدا(ع) است...
قرار نیست مشعر تولید کند.
قرار است مشعر آیینه تولیدات
و فعّالیّت‌های شما باشد.
اینجا، جای آرم هیأت شماست
که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...